

قالی شوپان

علی بلوکباشی

زیرنظر دکتر صادق کیا استاد دانشگاه تهران و مشاور عالی هنرهای زیبای کشور رئیس اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه

کوتاهتر و به دیوار ستونهای اتاقهای آرامگاه چسبیده است و در دوسوی در ورودی صحن امامزاده نیز دومناره‌ی کوتاه دیده می‌شود که نیمه‌ی بالای یکی از آن دو ریخته است (شکل ۱). در «مشهداردهال» هر سال در روز معینی از مهرماه، مراسمی مذهبی یا بهتر گفته شود نمایشی مذهبی برگزار می‌شود. در این مراسم مردم فین کاشان با آیین ویژه‌ای قالی مخصوصی را از آستانه‌ی شاهزاده سلطان‌علی بیرون می‌آورند

در باختر کاشان و جنوب «جاسب»^۱، در سرزمینی کوهستانی، چند آبادی نزدیک بهم وجود دارد که به نام دهستان «آردهال» خوانده می‌شود. مرکز این دهستان دهکده‌ی «مشهداردهال» است که درهشت فرسخی باختر کاشان واقع شده، و مردم آن را «مشهد قالی» و «مشهد اردهال» می‌خوانند.^۲

«مشهد اردهال» زمینی گندم‌خیز و آب و هوایی خوب دارد و جمعیت آن پیرامون ۲۰۰۰ تن است. این ده از آن رو «مشهد» نامیده شده که شهادتگاه یکی از امامزادگان شیعیان است. این امامزاده نامش «علی»، و فرزند امام «محمدباقر» (ع)، پیشوای پنجم شیعیان است و مردم او را «شاهزاده سلطان علی» می‌نامند.^۳

شاهزاده سلطان علی در سده‌ی دوم هجری می‌زیسته و در مشهد اردهال کشته شده و همانجا نیز بردامنه‌ی تپه‌ی بلندی به خاک سپرده شده است و مجدالملک ابوالفضل اسعدبن محمدبن براوستانی قمی، وزیر دانشمند برکیارق پسر ملکشاه، که در سال ۴۷۲ هجری قمری کشته شده، بارگاهی برای او ساخته که در زمان صفویان «دست کاری» و کاشی‌کاری شده و اکنون یکی از ساختمانهای کهن و از نظر معماری و کاری‌کاری و گچ‌بری یکی از آثار گرانبهای ایران بشمار می‌رود.

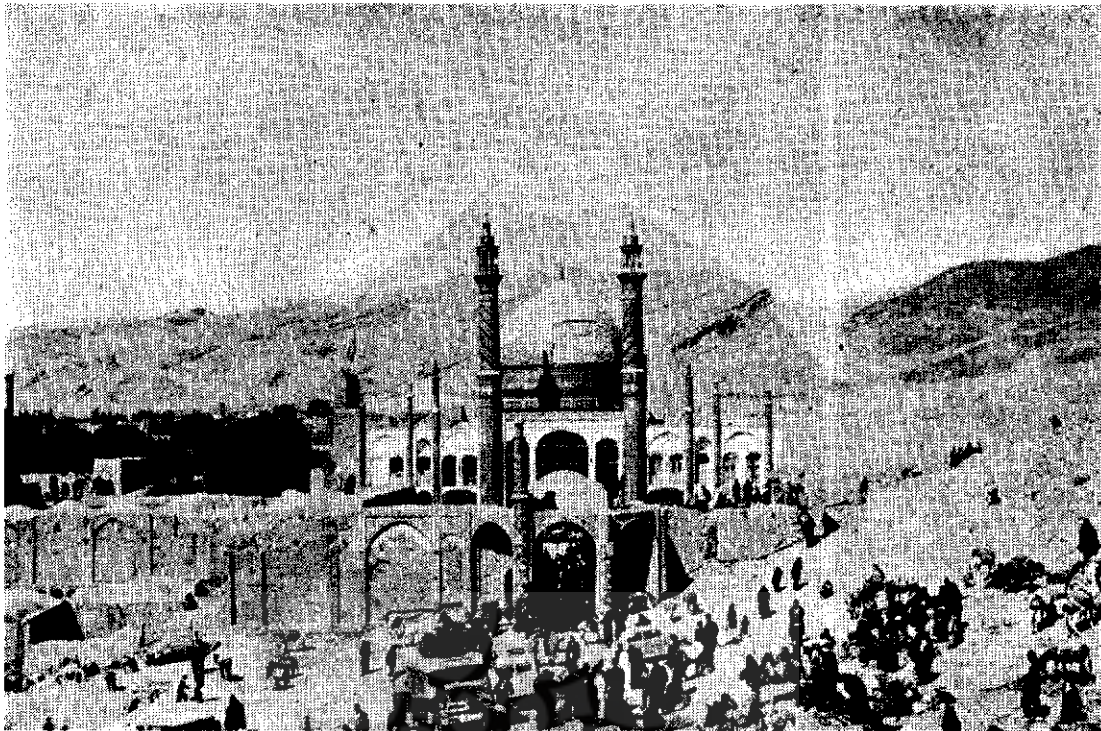
این بارگاه دو صحن و دو ایوان باشکوه و گنبدی زیبا و کاشی‌کاری شده دارد و کاشیهای بخشی از آن ریخته و آجر و کاه گل زیر آن نمایان شده است. همچنین دو گلدسته‌ی بلند کاشی‌کاری در دو سوی یکی از ایوان‌ها دارد. در کنار هر گلدسته سه مناره‌ی کاشی‌کاری دیده می‌شود که یکی از دیگری

۱- دهستانی است در جنوب باختری قم.

۲- پارمی از نویسندگان نام این ده را «بارکوس»، «بارکوسب» و «بارکرس» نوشته‌اند. نویسنده‌ی «کتاب النقص» آن را «بارگرز» نوشته و نام درست آن «بارکرسب» یا «بارکرسف» است و اکنون کسانی نیز هستند که چون در این ده زاده شده‌اند به نام ده یعنی «بارکرسفی» خوانده می‌شوند.

۳- برخی از نویسندگان و تاریخ‌نویسان مانند: «تاج‌الدین بن زهری حسینی» در کتاب «غایة الاختصار فی اخبار البیوتات العلویه» و «محب‌الدین نجار» در کتاب تاریخ خود، گور حضرت سلطان‌علی را در «جعفریه»، یکی از دهات یا محله‌های نزدیک بغداد دانسته‌اند، ولی در «کتاب النقص» و «ریاض العلماء» و «بحر الانساب» و «منتهی الامال» و چند کتاب دیگر مذهبی، گور او در «مشهداردهال» نوشته شده و مردم نیز این را درست می‌دانند.

۴- «و عمارت مشهد امامزاده علی بن محمدالباقر (ع) به بارگرز؟ (بارکرسف) است که مجدالدین فرموده است در آن حدود بازینت و عدت و آلت و رونق و نور و برکات و اوقاف بسیار و آنرا همه‌ی سلاطین و ملوک و امراء و وزراء خریدار و معتقد و غیر آن و مانند این که همه را دلالت است بر صفاء ایمان و ترهت طاعت مؤمنان کاشان» صفحه‌های ۱۶۹ و ۱۷۰ از «کتاب النقص» نوشته عبدالجلیل قرینسی رازی، ویراسته سید جلال‌الدین حسین ارموی (محدث).



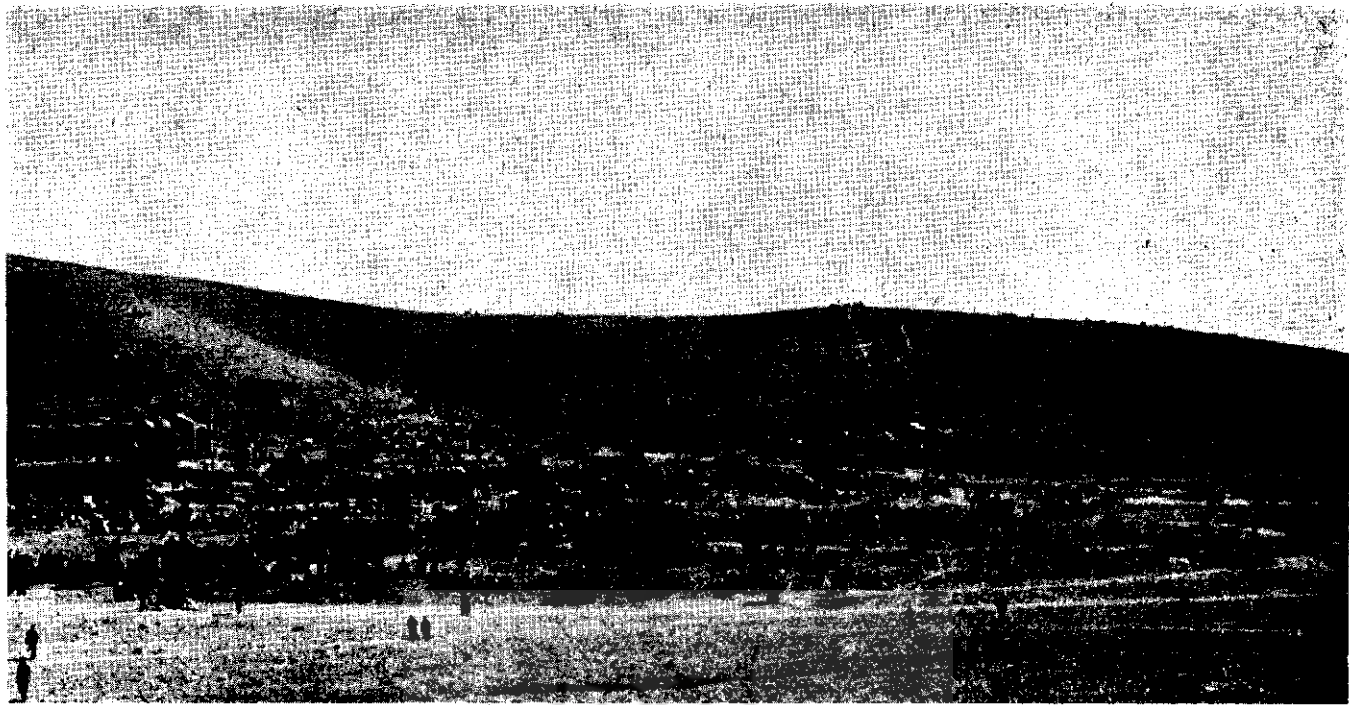
(ش ۱) بارگاه شاهزاده سلطان علی باگدسته‌ها و مناره‌ها

به مشهد می‌آیند در خود جا بدهد، ناچار گروهی از زیارت - کنندگان چادرهایی در باغها و گوشه و کنار دهات برپا می‌کنند و چند روزی را که در ارده‌ها می‌مانند در زیر آنها می‌گذرانند. روز جمعه پیش از هفده مهر (این جمعه ممکن است به هفده مهر یا چند روز پیش از آن نیز بیفتد. مثلاً در سالی که نویسنده برای دیدن «قالی شویان» به مشهد ارده‌ها رفته بود مراسم قالی‌شویی در روز جمعه‌ی پانزدهم مهر برگزار شد.) در «میان روز» آیین «قالی‌شویی» برگزار می‌شود. شیوه‌ی این نمایش مذهبی چنین است:

فینیها در میان صحن حیاط امامزاده گرد هم می‌آیند و یکی از آنها بر روی چهارپایه یا منبری که از پیش در گوشه‌ای از صحن گذاشته شده می‌رود و نخست درباره‌ی بزرگی و شکوه و جاه و پرهیزگاری حضرت سلطان علی و داستان کشته شدن او به دست مردم دهات همسایه‌ی مشهد ارده‌ها، سخنرانی می‌کند و آنگاه چندتن از دشمنان و کشتن‌گان او را نام می‌برد و به آنها لعن می‌فرستد و حاضران نیز به پیروی از او «بیشباد» می‌گویند. پس از سخنرانی، چندتن از سران مردم فین به درون آستانه‌ی امامزاده می‌روند و پولی را که قبلاً از همسایه‌های خود گردآوری کرده‌اند به متولی امامزاده می‌دهند و قالی ویژه‌ی را که می‌گویند پیکر شاهزاده سلطان علی را در آن

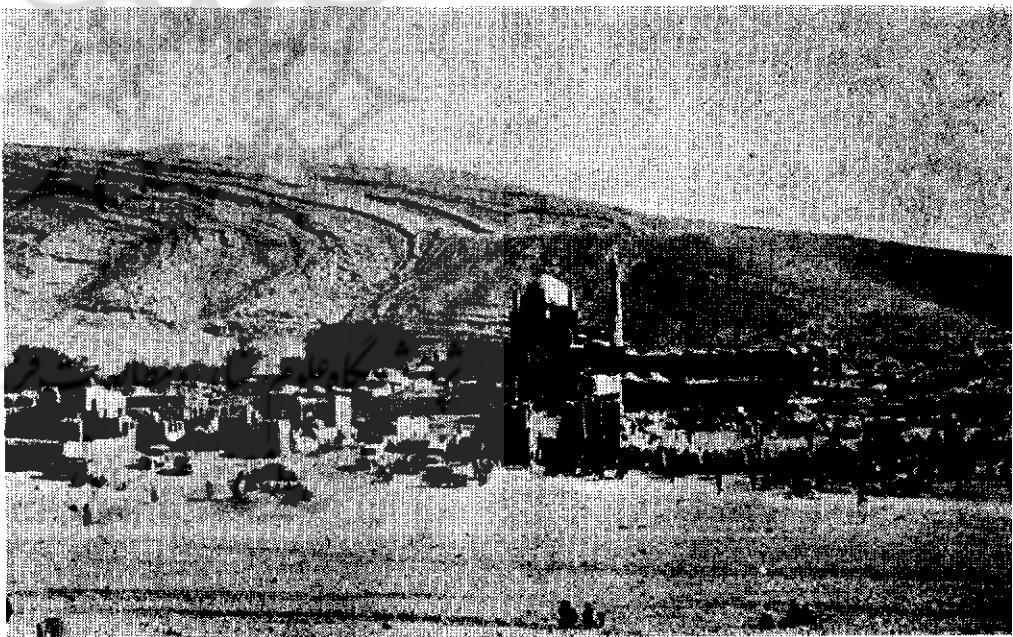
و در جوی آبی که از میدان ده می‌گذرد می‌شویند و از این رو این مراسم مذهبی را که رنگی ملی و ایرانی نیز بخود گرفته «قالی‌شورون» یعنی «آیین شستن قالی» می‌خوانند. در این مراسم بجز فینیها، گروه بی‌شماری از مردم شهرها و دهات دیگر کشور نیز برای دیدن چگونگی شستن قالی و زیارت امامزاده به مشهد ارده‌ها می‌آیند (شکل ۲).
هر سال چون مهرماه فرا می‌رسد، بازرگانان کاشی، فینی، قمی، اصفهانی و یزدی... با کالاهای گوناگون از گسترده‌ی پوشیدنی و افزارهای آشپزی (مانند دیگ و دیگرچه و کفگیر و آبکش و ملاقه و کاسه و سینی) به مشهد می‌آیند و در غرفه‌های حیاط صحن و دورحوض و راهروی درآمد امامزاده، بازاری باشکوه درست می‌کنند.

چند روز که از ماه مهر گذشت مردم پاره‌ای از شهرها و روستاهای ایران بویژه شهرها و روستاهایی که نزدیک یا پیرامون ارده‌ها هستند، مانند قم، کاشان، فین، ساوه، نراق، محلات، خمین و یزد، دسته دسته به مشهد می‌آیند و در خانه‌های روستایی «مشهدقالی» و آبادیهای دیگر دهستان ارده‌ها مانند «خاوه»، «چهارباغ»، «کره‌جار» و «حسارود» نشین می‌گزینند و چون خانه‌های دهات دهستان ارده‌ها نمی‌تواند همه‌ی مردمی را که برای شرکت در این نمایش مذهبی



بالا (ش ۴) تپه‌ی که آرامگاه سلطانعلی
بر روی آن ساخته شده و دسته‌ی از مردمی
که برای زیارت حضرت و دیدن نمایش
به مشهد آمده‌اند

پائین (ش ۴) بارگاه شاهزاده سلطانعلی
از سوی که قالی را از آستانه آن بیرون
میاورند



چوب و چماق‌هایشان را در هوا تکان می‌دهند و با صدای بلند
« حسین حسین » می‌گویند ، در پی آنان روان می‌شوند و تا
آنجا که بتوانند نمی‌گذارند مردم به قالی نزدیک بشوند و برای
تبرک به آن دست بزنند (شکل ۴) .

در میان «دسته» چندتن هم «عکمی» خوانیده را بر روی
دست می‌کشند . نیز در پیشاپیش یا در میان «دسته» مردی

پیچیده و شسته‌اند ، لوله می‌کنند و بردوش می‌گذارند و به سوی
جوی قالی‌شویی (همان جویی که پیکر بی‌جان سلطان‌علی را
در آب آن غسل داده‌اند . این جوی در میدان ده دره ۸۰۰ متری
امامزاده قرار دارد .) راه می‌افتند (شکل ۳)

« قالی‌کشان » را گروهی بسیار از فینی‌ها که چوب
و چماق بدست دارند ، از چهارسو دور می‌کنند و درحالی‌که



(ش ۴) قالی‌کشان با فینی‌های چوب و چماق بدست «حسین حسین» گویان قالی را بسوی جوی آب میرند

سلطان‌علی را که در راه خدا و راستی و درستی و دین و مذهب جعفری به پا خاسته بود و با گمراهان و بی‌دینان می‌جنگید ، کشتند . پس از کشته‌شدن او ، فینیها آگاه شدند و به‌سوی او شتافتند و کره‌جاریها را پس راندند و چون حضرت را کشته و پیکر او را بر روی زمین یافتند ، بی‌درنگ او را از زمین بلند کردند و در قالی‌ای که اکنون در آستانه نگاهداری ، و در مراسم قالی‌شویی شسته می‌شود ، پیچیدند و بر کنار جوی آب بردند و شستند و غسل دادند و به‌دامنه‌ی تپه‌ای که اکنون آرامگاه او در آنجاست بردند و به خاک سپردند .

کره‌جاریها که يك چنین کار زشت و ناپسندی را با شاهزاده سلطان‌علی کردند ، چندی نگذشت که به سزای کار ننگین خود رسیدند و به نفرین آن حضرت گرفتار آمدند و از آن‌پس هر کس فرزندی زدا ، آن کودک دمی کوتاه در آورد و دخترانشان نیز در پنج شش‌ماهگی نشانه‌ی دوشیزگیشان را از دست دادند ! از این‌رو اکنون همه کره‌جاریها دمی کوتاه دارند و دخترانشان نشانه‌ی دوشیزگی ندارند!^۵

همچنین به‌نفرین امامزاده ، کوه‌بلندی میان ده کره‌جار و بارگاه حضرت سلطان‌علی سر از زمین بیرون آورد ، تا این که دیدگان مردم آن‌ده از دیدار امامزاده و بارگاه او محروم شود .

۵ - این موضوع افسانه و پنداری بیش‌نیست و جزو عقاید خرافی مردم شمار است .

سوار بر اسب «جانماز» شاهزاده سلطان‌علی را روی دست می‌برد (شکل ۵) .

«دسته‌ی» نمایش دهندگان مذهبی از امامزاده تا صد متری جوی قالی‌شویی ، آرام‌آرام پیش می‌آیند ، ولی هنگامی که به صد متری جوی رسیدند صدای «حسین حسین» را بلندتر می‌کنند و با گرمی و شور فراوان به‌سوی جوی می‌دوند . هنگامی که «دسته» به کنار جوی رسید ، «قالی‌کشان» قالی را در کنار جوی بر زمین می‌گذارند و آن‌را رو به‌قبله می‌گسترانند و چماق‌داران و چوب‌داران ، چماقها و چوبهای خود را در آب می‌زنند و آب آنها را بر روی قالی و قالی‌کشان می‌پاشند (شکل ۶) .

«دسته» پس از «گل‌نم‌زدن» به قالی ، همان‌گونه که آمده بود به‌سوی امامزاده باز می‌گردد و قالی را به آستانه می‌رساند . در میان راه و بر بام خانه‌ها و دکانه‌ها ، مردم برای دیدن نمایش دوپشته می‌ایستند یا می‌نشینند و برای بی‌کس و بی‌بار کشته‌شدن سلطان‌علی تا آن اندازه که بتوانند می‌گریند و اشک می‌ریزند . مردم داستان این پیشامد و انگیزه‌ی شستن قالی را به‌دست فینیها چنین حکایت می‌کنند :

کره‌جاریها (مردم ده کره‌جار . این ده یکی از دهکده‌های دهستان ارده‌ال است .) کسانی بودند که باهم‌دستی گروهی از مردم ارده‌ال - از هر دهی يك تن - شاهزاده

(ش ۵) درمیان دستهی چماقداران چند
تن « علم » خوابیده را روی دست بسوی
جوی میبرند



(ش ۶) فینی‌ها قالی را بجوی رسانده‌اند
و چماقداران چماق‌های خود را در هوا
تکان میدهند و با صدای بلند « حسین
حسین » میگویند و برخی از آنها هم بر سر
خود میزنند



(ش ۷) سه تن از شبیه‌خوانان با جامه‌های
ویژه نمایشی





(ش ۸) شبیه خوانان سرگرم خواندن تعزیه هستند و مردم دور آنها حلقه زده‌اند

چنین آیینی را به یادبود آن روز برپا کنند .
 یکی دیگر از نمایشهای مذهبی و دیدنی که در ده بیست روز اول ماه مهر در مشهداردهال داده می‌شود « شبیه‌خوانی » است . « شبیه‌خوانی » یا « تعزیه » از چند روز پیش از « قالی‌شوینان » تا چند روز پس از آن دنبال می‌شود (شکل ۷) .
 در این مدت شبیه‌خوانان هر روز در گوشه‌یی از دهکده بساط خود را پهن می‌کنند و به مناسبت ، تعزیه‌هایی مانند تعزیه‌ی « حُرّ شهید » ، « حضرت عباس » ، « امام حسین » ، « حضرت زینب » و « حضرت قاسم » می‌خوانند و بینندگان را که گرداگردشان حلقه زده‌اند با پیشامدهای مذهبی آشنا می‌کنند و با نمایش صحنه‌های دلخراش و جان‌گداز و اندوهگین ، احساسات پاک مردم را برمی‌انگیزند و اشک غم و درد در چشمانشان می‌نشانند (شکل ۸) .
 ناگفته نماند که یکی از اعتقادات مردمی که برای زیارت سلطان علی و تماشای مراسم قالی‌شوئی به مشهداردهال می‌آیند این است که هر خانواده‌ای که دختر شوی نکرده و « دم‌بختی » در خانه دارد ، برای گشودن بخت او به‌بازاری که از آن در این گفتار یاد شد می‌رود و به اندازه‌ی توانایی مالی خود ، کالایی از فروشندگان می‌خرد و برای جهاز دخترش نگاه می‌دارد .

این کوه امروز میان مردم به « کاردِ کرده‌جاریها » معروف است . ولی فینبها که به‌باری و پشتیبانی شاهزاده شناخته بودند و پیکر بیجان او را از زمین بلند کرده و شسته و کفن کرده بودند ، از آن زمان تا امروز ، هر سال در همان روزی که به‌باری حضرت برخاسته بودند (این روز باید همان جمعه‌ی هفدهم مهرماه بوده باشد) آیین قالی‌شوئی را که نمایش چگونگی شستن شاهزاده و پوشانیدن اوست به‌خود اختصاص دادند ، و اکنون به‌چنین کاری می‌بالند و سرافرازند .

یک هفته پس از برگزاری نمایش قالی ، « نَشَلْگِیها » (نَشَلْگِ دهی است در ۵۷ کیلومتری شمال باختری قمصر و یکی دو فرسخی مشهد اردهال) چنین آیینی را در روز جمعه - البته ساده‌تر و کوتاه‌تر - برپا می‌کنند .

مراسم قالی‌شوئی نَشَلْگِیها چون یک هفته پس از روز حقیقی انجام می‌گیرد ، بیننده‌ی کمتری دارد و جنبش و شور و حال مراسم فینبها در آن دیده نمی‌شود .

نَشَلْگِیها برای برگزاری چنین نمایشی پس از نمایش فینبها دلیلی دارند و می‌گویند چون نیاگانشان در شستن و پوشاندن و به خاک سپردن پیکر حضرت سلطان علی با فینبها همکاری داشته‌اند ، پس آنها نیز باید از کاروان پس نیفتند و مانند فینبها